

تاریخی

دکتر محمد علی نویدی

سرشناسه	۱۳۴۲- نویدی، محمدعلی،
عنوان و نام پدیدآور	تفکر تاریخی / محمدعلی نویدی.
مشخصات نشر	۱۳۹۵. تهران : دایره دانش ،
مشخصات ظاهری	۲۸۵ ص.
شابک	۹۷۸۶۰۰۷۱۱۱۴۲۰:
وضعیت فهرست نویسی: فیا	
موضوع	۱۷۷۰ - ۱۸۳۱ م. هگل، گئورگ ویلهلم فریدریش،
موضوع	Hegel, Georg Wilhelm Friedrich :
موضوع	هگل، گئورگ ویلهلم فریدریش، ۱۷۷۰ - ۱۸۳۱ م. فلسفه
	تاریخ
رצוע	تاریخ — فلسفه
موضوع	History -- Philosophy :



دایره دانش

نویسنده	نویدی محمدعلی
مدیر نشر	حامد جمالی ن
صفحه آرای و طراحی	علیرضا دارستانی
نوبت چاپ	اول - ۱۳۹۵
تیراژ	۵۰۰:
قیمت	۱۸۰۰۰۰ ریال
شابک	۹۷۸۶۰۰۷۱۱۱۴۲۰:

دفتر فروش، تهران - خیابان انقلاب - روبروی تربیت بدنی دانشگاه تهران - جنب بانک
صادرات - کتابفروشی محسن
تلفن: ۶۶۴۹۲۶۶۲ - ۰۹۱۲۳۷۷۶۸۸۰

کلیه حقوق و حق چاپ متن و عنوان کتاب که به ثبت رسیده است؛ مطابق با قانون حقوق مولفان و مصنفان مصوب ۱۳۴۸ محفوظ و متعلق به انتشارات دایره دانش می باشد. هرگونه برداشت، تکثیر، کپی برداری به هر شکل (چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی) بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع بوده و متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.

فهرست مطالب

مقدمه	۴
-------	---

فصل اول: مقدماتی بر مبانی تاریخی شدن تفکر فلسفی هگل.

بخش اول: مقدمه‌ای بر تفکر فلسفی تاریخی و غیر تاریخی	۱۱
بخش دوم: تاریخ و معانی آن	۲۰
بخش سوم: حیث تاریخی به عنوان یک مسئله فلسفی	۲۹
بخش چهارم: سیطره حیث تاریخی	۳۳

فصل دوم: تاریخ و حیث تاریخی در سوره‌های مختلف تفکر فلسفی.

بخش اول: تاریخ و حیث تاریخی در تفکر فلسفی یونان و روم باستان	۴۴
بخش دوم: تاریخ و حیث تاریخی در تفکر فلسفی قرون وسطی	۵۴
بخش سوم: فلسفه جدید و تاریخ	۶۳
بخش چهارم: مدرنیته و تاریخ	۸۶

فصل سوم: اندیشه تاریخی در تفکر فلسفی هگل

بخش اول: تفکر فلسفی هگل ۱۱۱

بخش دوم: تاریخ و تاریخ‌انگاری از نظر هگل ۱۲۷

بخش سوم: فلسفه تاریخ از نظر هگل ۱۴۹

الف: جایگاه و اهمیت فلسفه تاریخ از دیدگاه هگل ۱۴۹

ب: مفاهیم بنیادین فلسفه تاریخ هگل ۱۵۸

بخش چهارم: نسبت تاریخ با: کانت - کورنلیوس هگل ۱۹۲

۱- روش فلسفی هگل و تاریخ ۱۹۲

۲- فلسفه اخلاق و تاریخ ۲۰۲

۳- فلسفه سیاست و تاریخ ۲۱۱

۴- تاریخ و هنر ۲۲۴

۵- دین و تاریخ ۲۳۳

۶- تاریخ و فلسفه ۲۴۳

بخش پنجم: هگل و مدرنیته ۲۵۳

نتیجه گیری ۲۶۲

فهرست اهم منابع به زبان فارسی و عربی ۲۷۵

فهرست اهم منابع به زبان انگلیسی ۲۷۸

www.ketab.ir

مقدمه :

تفکر ذاتی آدمی و فصل ممیز اوست و تفکر فلسفی شأن ذات بشر و نهایت منزلت اوست .

تفکر نسبت بین انسان و حق است و آدمی در این نسبت و ارتباط معنی و مفهوم می یابد و به اصل خویش متصل می گردد، اتصال بین موجود انسان و وجود مطلق و حق. تفکر از حیث تفکر و به اعتبار تعلق به انسان از آن حیث که انسان است مقید به قیدی نیست و در زمان و مکان نمی گنجد و این تفکر محض و ناب است که حصول آن جز کمترین بشر را نشاید. لیکن، تفکر از آن لحاظ که امری انسانی و فعالیت بشری است واجد صور و اوصاف و خصایص می باشد و به این اعتبار، تفکر با زمان و تاریخ نسبت پیدا می کند، چنانکه با مقولات دیگر جهان هستی مرتبط است. فلذا، تفکر فلسفی را صورتهای گونه گون می شناسند که بر فرآیند تاریخ فلسفه ظهور نموده و موجب سامان امور انسان شده اند. «مبانی تاریخی شدن تفکر فلسفی» از این دیدگاه معنی جدی می یابد. فلسفه در راه بودن و سیر مداوم و پیوسته است و تفکر فلسفی نمودگار استواری است با حق و حقیقت است. بنابراین، تاریخ فلسفه، تاریخ سیر تفکر و اطوار و صور مخزن فلسفه و حاکم سیر و سلوک و شدن آدمی است.

تفکر فلسفی چگونه صورت تاریخی می یابد؟ و فلسفه چگونه با تاریخ نسبت پیدا می کند؟ و حیث تاریخی، چگونه صورت تفکر فلسفی می شود؟ تفکر تاریخی می گردد؟ مبانی و ریشه های این رویکرد و تلقی را کجا می توان سراغ گرفت؟ و چرا چنین حالتی رفاصل هگل پیدا می شود؟ و تفکر او تاریخی می گردد؟ و شاید دهها پرسش دیگر، رسالت این رساله را تکمیل می دهند.

زمان یکی از مسائل مهم فلسفی است که همواره مورد توجه فلاسفه بوده است و زمان اصل تاریخ است و تاریخ نیز همزاد بشر و مورد التفات نظر او بوده است. اگر چه هیچگاه آدمی در معنا و تلقی از تاریخ همداستان نبوده و بر یک نهج به آن ننگریسته است، لیکن انسان در طول حیات خود همواره تاریخ داشته است. هم او، نخست از تاریخ معنایی بیرون از وجود خود و به عنوان یک امر فوق طبیعی و اسطوره ای تلقی می کرد و در فرآیند زندگانی خود از تاریخ انتظار، نقل و حدیث گذشته و امور ماضی می نمود و می توان گفت در گردونه های حیات به تاریخ توجه می شد و گذشته یاد آور می گردید و در

زمانه دیگر تلقی از معنای تاریخ دگرگون گشته و امری بکلی انسانی و وابسته او شده است. اینکه سیر معنای تاریخ کدام است؟ و تلقی مردمان مختلف چگونه می باشد؟ و معانی گوناگون آن چیست؟ لازم است به متن رجوع گردد.

حیث تاریخی یعنی جهت تاریخی یافتن به عبارت دیگر، حیث تاریخی یعنی پذیرفتن صورت تاریخی به واسطه تفکر فلسفی در فرآیند و سیر فلسفه. می توان گفت، حیث تاریخی همان ظرف زمانی و صورت تاریخی است. نگارنده شاید گستاخانه، مدعی است که حیث تاریخی می تواند به عنوان یک مسئله فلسفی نیز فهم آید و مورد اثبات قرار گیرد و برای نخستین بار سعی نموده است با توجه به مبانی فلسفی و تاریخی شاهدی بر این گفتار آورده و تمهید گردد. بی تردید، اگر حیث تاریخی به عنوان یک مسئله فلسفی مورد عنایت توجه واقع شود، تاریخی بودن و شدن فلسفه فراتر از هر عصر و زمان خاص مطمح نظر خواهد بود. اما از سیطره حیث تاریخی اولاً تابع زمان بودن و تاریخی شدن نیست، بلکه نحوه نگرش و تلقی و فکر تاریخی یافتن و پذیرفتن است و تلقی تاریخ انگارانه بشر امروز است، به سخن دیگر، سیطره حیث تاریخی تاریخی ظهور یافته و وجود انسان از آن حیث که انسان موجود تاریخی است. ثانیاً، سیطره حیث تاریخی اصول مدرنیته و عصر جدید است.

چگونه تفکر فلسفی حیث تاریخی پیدا می کند؟ می توان به معنا و تلقی از این سؤال حاصل آورد و لازم است بدقت ما بین این معانی تمایز قائل شویم و مراد و منظور خود را عیان نماییم.

اینکه تفکر فلسفی حیث تاریخی پیدا می کند، اولاً، ممکن است - به معنا شود که، اساساً تفکر فلسفی تاریخی است یعنی محصول اوضاع و احوال و شرایط تاریخی می باشد، اگر چه برخی از متفکران و صاحب نظران فلسفه، چنین نگرشی داشته باشند لیکن، محققین فلاسفه و مؤسسين نظامهای مختلف فلسفی نظر دیگری دارند و شروع تاریخ و دوران تاریخی را با ظهور فلسفه قرین می دانند نه اینکه فلسفه را محصول شرایط تاریخی و اجتماعی بدانند.

ثانیاً، شاید چنین تصور شود که فلسفه چون امر انسانی و وابسته و متعلق به زمان فیلسوف است، بنابراین تفکر فلسفی از این حیث تاریخی است. لیکن مراد این رساله هیچیک از دو مورد فوق الذکر

نمی‌باشد، اگر چه از باب تحقیق و بررسی در فصل اول و دوم نسبتاً مبسوط به آن پرداخته شده است. تلقی دیگر از حیث تاریخی شدن تفکر فلسفی همانا این است که تاریخ چنان بسط یافته است و اصول تاریخی چنان مورد توجه واقع گشته است که فکر فلسفی در سیر خود، چنین صورتی به خود گرفته است و تفکر کردن و اندیشیدن در فضای تاریخی صورت می‌گیرد و ارکان و مبانی فلسفه خاصی رنگ و بوی تاریخ می‌دهد و در واقع، تاریخ رشته اتصال و رکن رکن آن نظام فلسفی شده است. یا، تفکر فلسفی در سیر و ظهور خود در قالب تاریخ و صورت تاریخی تجلی نموده و ظهور یافته است و مراد ما بررسی، تحقیق و مطالعه و پژوهش در چنین تفکری است.

فلسفه یونان به لحاظ فلسفه خود و تجربه فکری و علمی خود، نسبت به زمان با نظر تحقیر می‌نگریستند در قیاس با سایر اصول و مبانی فلسفی خود توجهی شایان به تاریخ نمی‌نمودند. وجود حقیقی و واقعی نزد آنان و حوالت و لایتغیر بوده است و بدین سان، تاریخ و زمان را کمترین وجود می‌دانستند و آن را سایه ابدیت و تنبلیت می‌پنداشتند که در حال زوال و انقراض است، البته در فلسفه ارسطو زمان با حرکت قرین است می‌آید و ترجمه متفاوتی به آن لحاظ می‌گردد که واقع بینانه‌تر از نظرات گذاشته است.

در دوره قرون وسطی، تحول جدی در تلقی و بنای تاریخ حاصل آمد و این نحوه نگرش کاملاً با تعالیم دین مسیح و توجه آن به زمان و تاریخ مرتبط است. اگر چه تاریخ معنای اصلی و لغوی خود را که به عنوان شهادت و گواهی در یونان استعمال می‌شد، حفظ کرد، اما تاریخ دیگر به مشاهدات اطلاق نمی‌شد بلکه معرفت به خدا بود از طریق گواهی رسولان. تاریخ در واقع صهرا را زایل و ازلی در عالم و از رهگذر مسیح دانسته می‌شد. تولد مسیح (ع) اساس نگرش جدید نسبت به تاریخ شده بود.

باری تنها با ظهور عصر مدرنیته و دوران جدید و پیدایش اندیشه ترقی و پیشرفت بود که اقبال به تاریخ بطور جدی صورت گرفت و مورخان و متفکران و فلاسفه به تحقیق در مقوله تاریخ پرداختند و مبانی مستقل با روش‌شناسی نوین به‌مراه غرض و غایت جدید از تاریخ ساخته و پرداخته کردند. سهم اندیشه تاریخی قرن هیجدهم و دوره انورالفکری در این بین بسی مهم است و در سایه سعی و تلاش

متفکران تاریخ رشته مستقل با عنوان « فلسفه تاریخ » پا به عرصه علم نهاد و با تحقیقات هگل و تبعات پیروان وی وجه غالب اندیشه عصر گردید.

تفکر فلسفی هگل تفکر تاریخی است. تاریخ در کانون مباحثات فلسفه او واقع شده است. اساساً هگل ظهور فلسفه و شکل‌گیری آن را امری تاریخی می‌داند، بدین معنی که فلسفه را حاصل شفاق و دوبارگی بوجود آمده در امور وقایع و واقعیت از یک سو و عالم ذهن و اخلاق و اعتقادات از سوی دیگر می‌داند. و این دوگانگی، در فرآیند تاریخی و در طول تاریخ بوجود آمده و جهان را دوباره کرده است. رسالت فلسفه، تفکر فلسفی نیز امری تاریخی است، چرا که، فلسفه بالضروره در صدد وحدت بخشیدن به شایق سوژه و ابژه است، فلسفه باید بتواند آن یگانگی از دست رفته در طول تاریخ را باز گرداند و وحدت حاصل نماید. سرچشمه نیاز به فلسفه وجه تاریخی دارد.

رویکرد تاریخی، املاً با ذات، محصول مدرنیته و اندیشه سده هیجدهم بوده است که در تفکر فلسفی هگل به کمال خود رسیده و در وقت تلفیق تاریخی بنیان اندیشه گشته است. آنچه امروزه فلسفه تاریخ گفته می‌شود، از تفکر تاریخی هگل نشأت می‌گیرد. در واقع شاید بتوان گفت، با هگل انقلاب تاریخی صورت گرفته و رخ نموده است. چرا که تا هم فلسفه هگل جستجوی خود آگاهی بر پایه آزادی در فرآیند تاریخ است. با هگل تاریخ فلسفه و فلسفه تاریخ چنان به هم نزدیک شده‌اند که یکی گشته‌اند. تنها در تفکر فلسفی هگل است که مقولات حکمت با مبانی و مقولات تاریخی به گفتگو پرداخته‌اند و فلسفه تاریخ و تاریخ فلسفه شده است.

فلسفه تاریخی یعنی تاریخ محقق در صورت فلسفه، تبیین موضوع و رصع روش و بررسی غایت و غرض فلسفه هگل تنها از رهگذر اصطلاحات تاریخی ممکن و مقدور است. سیر و سلوک مطلق بعنوان موضوع فلسفه هگل جهت نیل به خود-آگاهی از طریق آزادی در تاریخ محقق می‌شود.

نظام فلسفی هگل، نظامی منسجم و هماهنگ است. عناصر و ارکان آن عبارتند از: مطلق یا روح، روش دیالکتیکی، فلسفه اخلاق، فلسفه سیاست، فلسفه هنر، فلسفه دین و فلسفه تاریخ و سایر مقولات فلسفی، که کاملاً بهم مرتبط می‌باشند. رشته ارتباط و اتصال عناصر مختلف فلسفی همانا تاریخ است

یعنی روح در یک فرآیند تاریخی در صورتهای گونه‌گون و اشکال مختلف ظهور می‌یابد تا سرانجام در مرحله فلسفه به خود آگاهی کامل نایل آید.

فهم این نکته، دست کم به نظر نگارنده، مهم است که در تفکر فلسفی هگل، فلسفه و مطلق (روح) درونمایه تاریخ است و تاریخ بدون لحاظ روح و مطلق میان تهی، بی محتوا و بی فروغ است و از جانب دیگر، فلسفه بدون تاریخ و فرآیند تاریخی عقیم است، معنی این سخن آنست که، فلسفه تنها از رهگذر تاریخ شروع به ظهور و تجلی می‌نماید و جلوه جلوات روح و مطلق از طریق تاریخ و سیر تاریخی امکان‌پذیر می‌باشد.

هگل را فیلسوف مدرنیته نامیده‌اند. چرا که، فلسفه هگل سرتاسر تکامل و پیشرفت و ترقی را یاد آور است، و از سوی دیگر، خود بنیادی در انسان و ابتدای به ذهنیت و سوپزکتیویتی در تفکر فلسفی او به حد نهایت رسیده است. و همواره با هگل و تفکر تاریخی او، تاریخ جهان بالکل، دست آورد انسان و اندیشه انسانی شده است.

استمرار تفکر تاریخی هگل است عنوان هگلیانیزم، بعد از فیلسوف، با مراتب شدت و ضعف فراوان مورد توجه متفکران قرار گرفته است. می‌توان گفت تفکر تاریخی هگل از سرچشمه‌های اصلی اندیشه‌های دو قرن اخیر بوده است و در شکل دهی به تفکر و تمدن معاصر به عنوان یکی از ساختارها سهمی بسزا داشته است.

به گمان ما قم این سطور، ره‌آوردی چند حاصل تلاش این رشته می‌تواند ملحوظ گردد.

۱- تحقیق در خصوص تفکر فلسفی و خصایص و صورتهای متنوع آن، و درک معنای تفکر فلسفی اساس هرگونه تحقیق فلسفی است، فلذا، لازم به نظر می‌آید با آگاهی از مبانی و اصول هر فلسفه به پژوهش پیرامون مسائل و قضایای آن پرداخته شود.

۲- تبیین معانی تاریخ، بی تردید از وجوه مطرح اندیشه و تفکر جدید وجه تاریخی آن است. مطالعه و تحقیق در باب وجه تاریخی فکر فلسفی ما را در فهم صورتهای مختلف مدد می‌رساند.

۳- گشایش راهی نو در مطالعه تفکر فلسفی هگل. نگارنده معتقد است، نگرش تاریخ‌انگانه به

نظام فلسفی هگل و ورود از باب روح عینی که عرصه تاریخ و سازمانهای سیاسی و واقعی است، به دستگاه فلسفی هگل بجای دخول از روح ذهنی و روح مطلق، فهم این فلسفه و همزیانی با آن را بسی سهل می‌نماید.

۴- پیگیری اندیشه بعد از هگل و تأثیر تفکر تاریخی بر آن، هر چند به اجمال، می‌تواند در درک اندیشه و فکر معاصر ما را یاری رساند. چراکه هگل فیلسوف قرن نوزدهم است و برای فهم او درک تفکر قبلی و با او فهم اندیشه بعدی شاید ممکن آید.

تحقیق و گارش این رساله، بی تردید مرهون افاضات و اشارات و راهنماییهای متفکرانه و بزرگوارانه استاد دکتر رضا داوری، - که خداوند وجود مقتنم معظم له را محفوظ و مستدام دارد - می‌باشد. بنابراین سپاسگزاری را امتنان این دانشجوی حقیر، اقل وظیفه‌شناسی است.

استاد معظم جناب آقای دکتر جوانی سلمه الله نه تنها برگردن نگارنده، بلکه نسبت به تمامی علاقه‌مندان به فلسفه حق و دین بزرگ دانش و پاسگزاری از ایشان در واقع تجلیل و بزرگداشت مقام فلسفه و حکمت است.

سپاسگزاری از استاد دکتر ابراهیمی دینانی که عمر مبارکش را وقف حکمت و فلسفه کرده و محبین دانش و دانایی را مرهون خود ساخته است فرض او است.

استاد نکته‌سنج و دقیق جناب آقای دکتر پازوکی مدظله العالی، را هر گونه امداد و اعانت دریغ نفرمودند و نکات بسیار مفیدی به اشارت ایشان ملحوظ گردید، سپاس خردنار حضرات می‌نمایم. امید است این رساله گامی باشد در جهت کمال وجودی مشتاقان و محبین حکمت و فلسفه، و راه‌آموزی باشد در جهت تعالی و علو آگاهی و معرفت‌شناسی.